

استراتژی تلفیق در مدیریت و برنامه ریزی کلاس‌های چندپایه

مریم عباسی^۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۰۱

تاریخ انتشار: ۱۴۰۴/۰۴/۱۷

چکیده

مقدمه و هدف: باتوجه به تأکیدی که به وسیله ی روان شناسان یادگیری و مکاتب روان شناسی؛ به ویژه مکتب گشتالت ونظریه ها و دیدگاه های فلسفی؛ مثل نظریه ی ماورای فردی، روی کل شده است؛ طراحی برنامه ها به صورت تلفیقی را ضروری می سازد؛ براین اساس، هدف این پژوهش، تبیین استراتژی تلفیق در مدیریت و برنامه ریزی کلاس های چندپایه بوده است.

روش شناسی پژوهش: پژوهش حاضر، به روش کتابخانه ای بارویکرد توصیفی- تحلیلی است؛ دراین تحقیق کیفی، با مطالعه ی کتب و منابع معتبرداخلی وخارجی، مضامین را کشف وبا بهره گیری ازسایت ها و مقالات پژوهشی، یادداشت هایی را به صورت فیش استخراج وبا طبقه بندی موضوعی فیش ها، به نگارش در آمده است.

یافته ها: سازماندهی برنامه درسی به شیوه ی تلفیقی، زمینه لازم را برای دست یابی دانش آموزان به وحدت ویکپارچگی درتجربه های یادگیری فراهم می آورد وبا یادگیری عمیق تر ومعدنادرتر، میان موضوع های درسی، پیوند منطقی ایجادمی نماید که این رویکرد موجب افزایش رشد مهارت های اجتماعی وپژوهشی در دانش آموزان می شود.

نتیجه گیری: دربرنامه درسی با رویکرد تلفیقی، میان معلم وشاگرد در کلاس های چندپایه، فرصت ارزشیابی سطح ادراک دانش آموز، فراهم می گردد ومعلم، باطرح مسأله های مناسب ومعنی دار درکلاس، می کوشد تا با تلفیق اطلاعات وادراک، میان تفکر شهودی وتفکر تحلیلی، موازنه های منطقی، ایجادکند ودرمقام تسهیل کننده ی یادگیری، مسؤول طرح مسائلی باشدکه تا حد امکان برای درک مطلب جدید ازآموخته ها وتجارب قبلی دانش آموزان استفاده شود.

واژه های کلیدی: برنامه درسی تلفیقی، کلاس های چندپایه، گروه های نا همگن، یادگیری معدنادر.

^۱ عضو هیات علمی، گروه آموزشی علوم تربیتی، دانشگاه فرهنگیان، شیراز، ایران. (abbasi.m1001@gmail.com)

مقدمه

در حال حاضر، روش‌ها و رویکردهای تدریسی که در کلاس‌های چندپایه، قابلیت استفاده دارند؛ متنوع اند واز آنجاکه، از طرفی در این گونه کلاسها، دانش آموزانی با سنین مختلف و توانایی‌هایی متفاوت حضور دارند، معلم نباید و نمی‌تواند فقط با تکیه بر یک روش به ارائه محتوا بپردازد و معلم باید طرح درس روزانه اش را با به دقت آماده کند تا دانش آموزان پایه‌های مختلف را به انواعی از فعالیتهای یادگیری سودمند وادار سازد. (آقازاده و فضل‌ی، ۱۳۸۴)؛ در حقیقت، آموزش چندپایه، تشکیل شده از ففونی که به معلّمان امکان هدایت یادگیری دانش آموزان با سطوح سنی متفاوت و تواناییهای گوناگون را به صورت همزمان می‌دهد واز طرفی دیگر، در کلاس‌های درس چندپایه؛ باتوجه به حجم محتوای برنامه‌ی درسی، برنامه‌ی درسی کلاس‌های تک پایه، ارائه می‌گردد و معلم کلاس درس چندپایه، گاه به حفظ یک ماده درسی وگاه به حفظ چند ماده، اقدام می‌کند که معمولاً در این میان، برنامه‌های درسی هنر، تربیت بدنی وبرخی برنامه‌های درسی دارای اهداف مشترک با محتوای متفاوت، دیده می‌شود که مورد غفلت قرار گرفته یا حذف می‌شوند که برای کاستن از بار برنامه درسی، امکان آن وجود دارد که با استفاده از استراتژی تلفیق، همه‌ی برنامه‌ها را تحت پوشش قرارداد و با استفاده از این روش، دانش آموزان احساس می‌کنند که فرصت کافی برای تکمیل تدریس برنامه درسی تعیین شده را، دارند و می‌توانند مطابق با نیازهای روز، پیش بروند؛ زیرا، دیگر مجبور به اجرای برنامه‌های درسی از پیش تعیین شده، نیستند؛ هرچندکه روش تدریس تلفیقی، نیازمند برنامه‌ریزی درست و صرف زمان بیشتر از سوی معلم است؛ ولی محیطی لذت بخش و فعال را برای یادگیری ایجاد میکند وبه دلیل این که شیوه‌ی تلفیقی به تدریس ویادگیری فراگیران، کل نگرانه می‌اندیشد؛ دراین رویکرد، ترکیبی از موضوعات درسی وجود دارد؛ نه یک ماده‌ی خاص درسی برای یک پایه در یک جلسه آموزشی؛ بنابراین، روش تلفیقی با فراوانی قابل قبولی در کلاس چندپایه قابل استفاده است. (کالایان و همکاران، ۲۰۱۴) و به جهت این که در رویکرد تلفیقی، آموزش برمحورمسائل واقعیت‌های زندگی فردی واجتماعی تنظیم می‌شود؛ وجود مفاهیم بسیارعام و نیز نسبتاً عام، میان نظام‌های مختلف رشته‌ای وبه بیانی دیگر، وحدت میان علوم تا حدی اجرای رویکرد تلفیقی را ضروری ساخته است؛ به علاوه چون انسان موجودی چند بعدی و دارای نیازهای مختلف است؛ ازاین رو، برای زندگی، نیازمند برخورداری ازمهارت‌های گوناگون و متنوع است؛ چراکه، ادامه‌ی حیات و بهره‌مندی از مواهب و نعمت‌های الهی با تاکید بر یک بعد

¹ Kalaian et al

خاص، عملی نیست؛ بلکه، باید نگاه‌ها در برنامه‌ی درسی، مطابق دیدگاه سند تحول بنیادین، نگاهی همه‌جانبه باشد و همچنین؛ باتوجه به تاکیداتی که به وسیله‌ی روان‌شناسان یادگیری و مکاتب روان‌شناسی؛ به ویژه مکتب گشتالت و نظریه‌ها و دیدگاه‌های فلسفی؛ مثل نظریه‌ی ماورای فردی، روی کل شده است؛ طراحی برنامه‌ها به صورت تلفیقی را ضروری می‌سازد؛ بنابراین هدف این پژوهش، تبیین رویکرد تلفیقی برنامه‌ی درسی کلاس‌های چندپایه در راستای تقویت توانمندسازی معلمان در برنامه‌ریزی و مدیریت این کلاس‌هاست و در تلاش است که بتواند به این سه سوال پاسخ دهد:

- ۱- ماهیت برنامه‌ی درسی به شیوه‌ی تلفیقی چیست؟
- ۲- چرا شیوه‌ی تلفیقی می‌تواند برای آموزش در کلاس‌های چندپایه، کاربردی و مفید باشد؟
- ۳- چگونه می‌توان استراتژی تلفیق را در کلاس‌های چندپایه، برنامه‌ریزی و مدیریت کرد؟

روش‌شناسی پژوهش

پژوهش حاضر، به روش کتابخانه‌ای با رویکرد توصیفی-تحلیلی است؛ در این تحقیق کیفی، با مطالعه‌ی کتب و منابع معتبر داخلی و خارجی، مضامین را کشف و با بهره‌گیری از سایت‌ها و مقالات پژوهشی، یادداشت‌هایی به صورت فیش استخراج و با تنظیم و دسته‌بندی موضوعی فیش‌ها، با روش تحلیل محتوای کیفی به تجزیه و تحلیل مفاهیم می‌پردازد و با تبیین مضامین به نگارش در می‌آید.

یافته‌ها

چیستی برنامه‌ی درسی به شیوه‌ی تلفیقی در کلاس‌های چندپایه:

تعاریف مختلفی از کلاس چند پایه و تعابیر متفاوتی از برنامه‌ی درسی تلفیقی از سوی صاحب‌نظران حوزه‌ی درسی بیان شده است؛ تدریس چندپایه، به نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی اطلاق می‌شود که در آن دانش‌آموزان چند پایه در یک کلاس توسط یک معلم آموزش داده می‌شود. (برج، ایان، لالی مایک، ۱۹۹۵)؛ همچنین کلاس‌های چندپایه، به کلاسی گفته‌اند که در آن دو گروه یا بیشتر، دانش‌آموز وجود دارد و هر گروه دارای توانایی و پایه‌ی تحصیلی متفاوتی است و از آنجاکه، کلاس‌های چندپایه بندرت در مدارس وجود دارند و این کلاس‌ها بیشتر در مناطق کم‌جمعیت و پراکنده‌ی روستایی و عشایری تشکیل می‌شود؛ از این رو، این کلاس‌ها از دانش‌آموزانی با سنین مختلف که هر کدام در یک پایه مشغول به تحصیل هستند؛ تشکیل شده است. (والاس و ماثوت، ۱۹۸۷)؛ به همین جهت، می‌توان گفت که کلاس چند پایه، یک موقعیت خاص آموزشی است که در آن حداقل، دو پایه‌ی تحصیلی تا حداکثر شش پایه‌ی دانش‌آموزان حضور دارند که

توسط یک معلم اداره می‌شود. (پورموسوی، ۱۳۹۴)؛ ضمناً قابل توجه است که تدریس مؤثر در کلاس‌های چند پایه، در گرو ابتکار و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان است و کیفیت تدریس در این کلاس‌ها به تفاوت‌های فردی؛ بویژه سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان و آموزش معلم و سبک‌های تدریس او بستگی دارد؛ لذا اگر در اداره‌ی کلاس‌های چند پایه از راهبرد‌های مناسب یاددهی-یادگیری استفاده شود، اثربخشی آن افزایش می‌یابد. (عزیزی و حسین پناهی، ۱۳۹۲)؛ براین اساس، امروزه تمام سیستم‌های آموزشی دنیا با توجه به سن و پایه؛ طراحی، برنامه‌ریزی و سازماندهی می‌شوند؛ از این رو، سازمان‌دهی دانش‌آموزان دوره ابتدایی را میتوان به دو گروه کلاس تک پایه و چند پایه تقسیم کرد واز نظر لیتل (۲۰۰۱)؛ یکی از این ایده‌آل‌ها، کلاس درس تک پایه است؛ کلاس-هایی که در آن یک معلم به یک گروه از دانش‌آموزان در یک پایه که تا حدودی از نظر سن و توانایی به یکدیگر شبیه هستند، آموزش می‌دهد. (مرتضوی زاده، ۱۳۹۴)؛ در حالی که کلاس چند-پایه، یک موقعیت خاص آموزشی است که در آن حداقل دو پایه تحصیلی تا حداکثر پنج پایه دانش-آموزان حضور دارند که توسط یک معلم اداره می‌شودو قابل ذکر است که با توجه به شش پایه شدن دوره‌ی ابتدایی براساس طرح تحول بنیادین نظام آموزش و پرورش، این کلاس‌ها، گاه با حضور شش پایه‌ی تحصیلی تشکیل می‌گردند و نیز برخی از کلاس‌های دوره‌ی ابتدایی؛ به ویژه در مناطق کم جمعیت و روستایی به صورت چندپایه، اداره می‌شوند که در آن‌ها دانش‌آموزان با سن، جنس و پایه‌ی تحصیلی متفاوت در کنار هم تحصیل می‌کنند و مشکلات و محدودیت‌های این گونه کلاس‌ها؛ نظیر: کمبود وقت، کمبود امکانات و تجهیزات، مشکلات آموزشی، چندمسئولیتی و سنگینی حجم کار معلم و فقر اطلاعاتی، بیسوادی یا کم سوادی اولیاء و مسائل دیگر که معلمان این گونه کلاس‌ها با آن‌ها مواجه‌اند؛ با وجود این محدودیتها و شرایط خاص کلاس‌های چندپایه و محیط پیرامونی آن‌ها و ویژگی‌های دانش‌آموزانی که در این کلاس‌ها مشغول به تحصیل هستند و اولیای آن‌ها، اهمیت و ضرورت بحث راهنمایی و مشاوره در این گونه کلاس‌ها نه تنها کم نمی‌شود؛ بلکه اهمیت آن پررنگ تر نیز می‌گردد. (حسینی و رستمی، ۱۴۰۱)؛ به طور کلی، کلاس چند پایه یک سیستم آموزشی مستقل از ابتدایی و دارای معلم و کتاب مخصوص به خود نمی‌باشد؛ بلکه پایین بودن آمار دانش-آموزان یک روستا، تشکیل چنین کلاس‌هایی را ضروری ساخته است و اهمیت پرداختن به این شکل آموزش، نیز دقیقاً از همین جا ناشی می‌شود که محتوای کتاب درسی، ساعات مصوب و امتحانات در کلاس‌های چند پایه با تک پایه فرقی نداشته است و یک معلم عهده‌دار این همه وظایف می‌باشد. (صمدیان، ۱۳۹۱) و می‌توان گفت که تدریس چندپایه، یکی دیگر از اشکال آموزشی است که قادر است که نیاز بسیاری از کشورهای مختلف دنیا را در جهت بهبود و توسعه ی فرایند یادگیری و محو

¹ Little

بیسوادی و دست یابی به آموزش و پرورش همگانی برآورده سازد و لزوم توجه به این مدارس و زیرپوشش قراردادن کودکان واجب‌التعلیم از اهداف و برنامه‌های آموزشی کشورهای مختلف است. (مرتضوی زاده، ۱۳۸۷)؛ همان طوری که در پژوهشی آیکمن و هاج^۱ (۲۰۰۶)، ضمن بررسی چالش‌های دسترسی به کیفیت بالای آموزشی برای کودکان چادر نشین و عشایر دافور سودان در مدارس چندپایه، بر ضرورت سرمایه‌گذاری برای مدارس چندپایه سیار و همچنین تدارک منابع کافی برای پشتیبانی از این کلاسها و افزایش اثربخشی آنها تأکید کرده‌اند و نیز از نظر لیتل (۲۰۰۴)، افزایش دسترسی به فرصتهای آموزشی در مناطق محروم، افزایش دسترسی برای یادگیری در مدرسی با تعداد معلمان ناکافی، نهایت استفاده از معلم و فضای کلاسی و استفاده اثربخش‌تر از منابع موجود در تدریس و پیدایش مدارس چندپایه موثر بوده‌اند و امروزه سیستم‌های آموزشی به وسیله‌ی سن، درجه و سطح دانش آموزان سازماندهی می‌شوند و این سازماندهی به دو صورت کلاس‌های تک پایه و کلاس‌های چندپایه انجام می‌پذیرد؛ در واقع، تدریس چند پایه، به نوعی از تدریس در آموزش ابتدایی اطلاق می‌شود که در آن موقعیت‌هایی است که دانش آموزان چند پایه در یک کلاس توسط یک معلم آموزش داده می‌شوند و به تعبیری، منظور از آموزش چند پایه، دانش‌آموزانی که از نظر سن و توانایی متفاوت هستند و همه در یک کلاس آموزش می‌بینند و این کلاسها، محیط طبیعی مشارکتی است که اگر معلم؛ به عنوان فرصت به آن نگاه کند، می‌تواند بستر مناسبی را فراهم سازند تا دانش آموزان در تعاملات خود؛ علاوه بر این که به دیگران یاری می‌رساند، به خودشان نیز کمک کنند و به‌ترباد بگیرند و همچنین، درک و فهم خود را واری کنند، خطاهایشان را در زمان مناسب اصلاح کنند و بخواهند که یاد بگیرند تا اهداف یادگیری روشنی برای خود داشته باشند.

چرایی کاربردی و مفید بودن شیوه‌ی تلفیقی برای آموزش در کلاس‌های چندپایه:

این نکته که کودکان دارای حقوق آموزشی هستند؛ به عنوان مبنایی برای ارتقای منزلت انسانی آنها عمل می‌کند و ایجاد کلاس‌های چندپایه در راستای برخورداری از حق تحصیل و کرامت انسانی است و این حقوق در اهداف توسعه هزاره سازمان ملل متحد و اهداف توسعه پایدار؛ و کنوانسیون سازمان ملل متحد در مورد حقوق کودکان منظور شده است و در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، یکی از راهکارهای دستیابی به اهداف عملیاتی تعیین شده؛ به منظور بهبود عملکرد نظام آموزشی استقرار و استفاده از نظام دوری در سازماندهی معلمان در سه پایه اول ابتدایی

^۱ Aikman & HAJ

است و نظام دوری؛ راهبردی است که می‌تواند برای افزایش پیشرفت تحصیلی و کاهش شکاف آموزشی برای دانش‌آموزان استفاده شود و به عنوان یک حرکت مداوم تعریف می‌شود که در آن دانش‌آموزان چندین سال متوالی یک معلم دارند و به طور سنتی، معلمان، یک ماه اول مدرسه را صرف آشنایی با دانش‌آموزان، ارزیابی آموخته‌های آن‌ها در سال قبل، روش‌های تدریس و انجام ارزشیابی می‌کنند و معلمان آموزش دوری می‌توانند زمان کمتری را برای ارزشیابی دانش‌آموزان صرف کنند تا مؤثرترین راهبردهای آموزشی را برای هر کودک تعیین کنند؛ در مقایسه با معلم یک ساله که برای اولین بار به دانش‌آموزان آموزش می‌دهد؛ زیرا که عمل معلمی سرشار از تجربه‌های نادری است که موجب کسب انگیزه و اعتماد برای عمل خلاقانه در موقعیت‌های تربیتی می‌شود و تدریس همزمان یک درس در چندین پایه (تدریس تلفیقی)، تسلط بر محتوای دروس چندین پایه، داشتن طرح درس ترکیبی پایه‌های مختلف، کسب تجربه تدریس در پایه‌های مختلف و تکمیل برنامه‌های ناتمام سال قبل است و بسیاری از معلمان بر این باورند که تدریس چند سال در یک مدرسه باعث می‌شود که معلم هر سال تجربیات دیگری کسب کند و این تجربه‌ها به حرفه‌ای شدن او کمک می‌کند. (مرتضوی زاده، ۱۴۰۱) و نیز کودکان به برنامه‌های درسی که آن‌ها را با تجربه‌های غیرقابل پیش‌بینی و هیجان زده مواجه نماید، نیاز دارند و اجرای چنین برنامه‌هایی، مستلزم وجود معلمان خلاق هست؛ به عبارت دیگر، دانش‌آموزان خلاق به معلمان خلاق، نیاز دارند و معلمان که بتوانند محیطی را فراهم نمایند که ضمن برخورداری از نظم و ترتیب، برانگیزنده تخیل و تجسم، کنجکاوی و ماجراجویی باشد که اینگونه محیط‌های آموزشی در شیوه‌های آموزش تلفیقی هویدا می‌شوند. (جین؛ ۲۰۱۴)؛ از این رو، این مطلب، مؤید تأثیر هنر بر خلاقیت هست و بیانگر این است که محیط‌های آموزشی برانگیزنده خلاقیت، باعث افزایش قدرت ایده پردازی و اعتماد به نفس می‌شوند و این خلاقیت ناشی از تأثیر شیوه آموزشی تلفیقی است. (نیوتن و دانکین؛ ۲۰۱۱) و همچنین در بررسی‌هایی در ایالات مختلف آمریکا، نشان می‌دهند که در بسیاری از مدرسه‌ها، معلمان پیشنهاد ادغام کلاس‌ها را کرده‌اند و حتی دیوار کلاس‌ها را برداشته‌اند؛ زیرا معتقدند افرادی که در جامعه و خانواده زندگی می‌کنند؛ چند سنی هستند و آموزش باید نمونه‌ای از زندگی واقعی باشد و علاوه بر آن، بررسی تأثیرات کلاس‌های چندپایه در کالیفرنیا نشان می‌دهد، این کلاس‌ها ضمن این که فرصت خوبی برای انجام کار گروهی و برقراری ارتباط دانش‌آموزان با یکدیگر را فراهم می‌کنند، رشد اجتماعی و درک متقابل آنان را نیز بالا می‌برند و زمینه ساز دوستی با دانش‌آموزان پایه‌های دیگر را فراهم می‌سازند. (فضلی، ۱۳۸۹) و در تجارب جهانی، ویتنام؛ از جمله کشورهایی است

¹ Jean

² Newton&Donkin

که منابع قابل توجهی را صرف گسترش کلاس‌های چند پایه نموده است و آموزش چندپایه را به عنوان یک روش آموزشی به رسمیت شناخته و خواستار ارتقای گسترده‌ی آن شده است و نیز در پی برگزاری کنفرانس جهانی آموزش برای همه در تایلند سال ۱۹۹۰ میلادی و سپس در داکار در سال ۲۰۰۰ میلادی که یک رویداد مهم تاریخی بوده است؛ یونیسف را برآن داشت تا تلاش‌های خود را برهمگانی کردن آموزش و پرورش ابتدایی از طریق به کارگیری رویکردهای عملی و متنوع متمرکز کند که یکی از این راهبردها، تشکیل کلاس‌های چند پایه است. (سلیمانی، حدادیان و شهرابی، ۱۳۸۹)

و در کشور ایران هم بیش از ۲۸۰۰۰ مدرسه به صورت مدیر-آموزگار، اداره می‌شوند و در بسیاری از مناطق دورافتاده‌ی روستاهای کمتر شناخته شده، کلاس‌هایی با جمعیت بسیار اندک تشکیل می‌شود و با توجه به این که کلاس‌های چندپایه، پایه‌های مختلف تحصیلی را در برمی‌گیرد؛ به همین سبب، عدالت آموزشی اقتضا می‌کند که برای بهره‌مندی همه‌ی دانش‌آموزان از تحصیل رایگان، کلاس درس به روش ترکیبی تشکیل شود و جریان تدریس، طبق معمول همیشگی‌اش به پیش برود؛ هرچند که تدریس مؤثر در کلاس‌های چندپایه، در گرو ابتکار و مهارت‌های حرفه‌ای معلمان است. (فضلی، ۱۳۸۲)؛ از این رو، کیفیت تدریس در این کلاس‌ها به تفاوت‌های فردی؛ به ویژه سبک‌های یادگیری دانش‌آموزان، آموزش معلم و سبک‌های تدریس او بستگی دارد؛ براین اساس، اگر در اداره‌ی کلاس‌های چندپایه از راهبردهایی مناسب استفاده شود، اثربخشی آن افزایش می‌یابد. (آقازاده، فضلی، ۱۳۸۴)؛ به عنوان نمونه مرتضوی و همکاران (۱۳۹۴) با بررسی روش‌های تلفیقی در مدارس چندپایه، بیان می‌کنند که دریافت آموزش در کلاسی که معلم از این الگو استفاده می‌کند؛ علاوه بر افزایش یادگیری می‌تواند در باره‌ی مراحل رشد اجتماعی، شناختی، اخلاقی و رفتاری خود، آگاهی یابند و از طرفی، در آموزش و پرورش، شرایط متنوعی در حوزه‌ی تعلیم و تربیت وجود دارد که متفاوت از یکدیگر بوده و برنامه‌ریزان؛ به ویژه معلمان به مقتضای شرایط می‌بایست کار یاددهی و یادگیری را پیش ببرند، یکی از این شرایط ویژه، وجود مدارس کوچک یا کلاس‌های چند پایه است و از آنجا که در این کلاس‌ها، معلمان بیش از یک برنامه‌ی درسی را تدریس می‌کنند؛ از این روست که انتخاب کلاس‌های چند پایه در آموزش و پرورش، راه حل جایگزین مناسبی برای کلاس‌های رایج در مدارس عادی نیست؛ اما بهترین انتخاب در دسترس برای رفع محرومیت از روستاها و ایجاد حق عمومی آموزش و پرورش است و این کلاس‌ها، موقعیتی است که در آن یک معلم باید به پایه‌های متعدد به طور همزمان درس بدهد. (مکوسانا و کاپیسا، ۲۰۰۴)؛ هرچند که شرایط اجتماعی، اقلیمی و منطقه‌ای روستایی و محروم ایران، کاهش جمعیت دانش‌آموزان، مهاجرت طبیعی یا اجباری، پراکندگی روستاها و نامناسب بودن راه‌های ارتباطی در دوره‌ی ابتدایی، خبراز افزایش این کلاس‌ها می‌دهد که با نام کلاس‌های چند پایه شناخته می‌شود. (عزیزی و حسین

پناهی، ۱۳۹۲)؛ بنابراین، درست، زمانی که در کشور ما، کلاس‌های چندپایه از روی اجبار تشکیل می‌شود و در برخی کشورها از روی عمد به تشکیل این کلاس‌ها مبادرت می‌ورزند و آن را مایه‌ی رشد اجتماعی دانش‌آموزان می‌دانند. (رحیمی، مفیدی و پاکدامن، ۱۳۹۲) و طبق شواهد می‌توان گفت که با وجود مشکلات زیاد در کلاس‌های چندپایه؛ از قبیل شلوغ بودن کلاس، کمبود وقت و غیره، می‌توان با ایجاد تحول در شیوه‌ی تدریس معلمان، عملکرد آموزشی را بهبود بخشید تا با نتایج بهتری روبرو شویم. (اسدکی، ۱۳۸۹)؛ براین اساس، یکی دیگر از انواع روش‌های آموزشی در کلاس‌های چندپایه، رویکرد تلفیقی برنامه‌درسی است که متأسفانه در امر آموزش چندان به آن بها نمی‌دهند و در اینجا؛ منظور از تلفیق، در هم آمیختن موضوعات درسی مختلف در یک یا چندپایه است و در تدریس به صورت تلفیقی، فراگیران فرصت می‌یابند که مفاهیم آموخته شده را در زمینه‌های مختلف به کارگیرند و از آنجایی که شیوه تلفیقی سبب یادگیری معنادار، عمیق و دائمی می‌شود، برای کلاس‌های چندپایه؛ با توجه به تعداد پایه‌ها دانش‌آموزان و معلمان و شرایط حاکم بر آنان، شیوه مناسب و مفیدی است و اینجاست که برای تدریس در کلاس‌های چندپایه، دو استراتژی اصلی را می‌توان مشخص کرد: یک استراتژی شامل کاهش و یا غلبه بر عدم تجانس دانش‌آموزان تا جایی که ممکن است از طریق شیوه‌های تدریس؛ از جمله؛ برنامه‌های درسی موازی، برنامه درسی چرخشی و آموزش کل کلاس که در چنین شیوه‌ای، معلم با یک گروه ناهمگن، با محتوای آموزش و تکالیف یکسان برای همه‌ی دانش‌آموزان، کار تدریس را انجام می‌دهد و یا با یک گروه همگن از نظر سن، کار می‌کند؛ درحالی که گروه و یا گروه‌های دیگر در سکوت، روی تکالیف خود، کار می‌کنند. (اناری نژاد، ریحان پور، ۱۳۹۴)؛ به طور کلی، در برنامه ریزی و مدیریت کلاس‌های چندپایه، این روش به تلفیق موضوعات و مفاهیم آموزشی در محتوای متفاوت دروس و پایه‌های متفاوت، به طراحی فعالیت‌های آموزشی جذاب می‌پردازد؛ برای نمونه، می‌توان از تلفیق موضوعات درسی با استفاده از روش کل نگرانه با تاکید بر پروژه‌های آموزشی با ایجاد شبکه‌ی مفهومی و تلفیق مهارت محور؛ از جمله، مهارت‌های برقراری ارتباط، مشاهده طبقه بندی، سؤال کردن، ارزیابی، استدلال و... استفاده کرد. (فضلی، ۱۳۸۹)؛ از این روست که برای تدریس در کلاس‌های چندپایه، از یک شیوه‌ی کلی می‌توان بهره برد؛ در چنین شیوه‌ای، معلم با یک گروه ناهمگن، با محتوای آموزش و تکالیف یکسان برای همه‌ی دانش‌آموزان، کار تدریس را انجام می‌دهد که در این شیوه، براین ایده، توجه می‌شود که ناهمگنی، امری طبیعی است و علاوه بر این، معلمان کار آزموده، علاقمندند که آموزش خود را با گروه‌های مختلف سنی، با ادغام موضوعات مختلف درسی، سازماندهی نمایند که به چنین رویکردی در برنامه درسی؛ "شیوه‌ی تلفیقی" گفته می‌شود که مقصود از "تلفیق برنامه‌ی درسی، در هم آمیختن حوزه‌های محتوایی یا موضوعات درسی است که به طور جداگانه و مجزا

از یکدیگر در نظام‌های آموزشی سنتی در برنامه‌ی درسی مدارس گنجانده شده است؛ به عبارت روشن‌تر، تلفیق برنامه‌ی درسی درهم آمیختن محتوا، فرایندهای و مهارت‌های برنامه‌ی درسی به منظور تبیین انسجام تجربیات یادگیری دانش‌آموزان است که در این شیوه، اغلب مرزبندی‌های صریح، بین حوزه‌های دانش کنار گذاشته شده، فرصت‌های یادگیری با شیوه متفاوت با رویکرد سنتی تنظیم می‌شوند و براساس بررسی‌ها و مطالعاتی که درماتون موجود در زمینه‌ی برنامه‌ی درسی تلفیقی صورت گرفته، این نتیجه حاصل شده است که برنامه‌ی درسی تلفیقی، صبغه‌ی دوره‌ای نداشته و اختصاص به دوره‌ی خاصی ندارد؛ با این وجود، هرچند در نمونه‌های تجربی، رویکرد تلفیقی در تمام سطوح و دوره‌های تحصیلی، حتی در سطح دانشگاه نیز دیده شده است؛ اما متداول‌ترین کاربرد این برنامه در دوره‌های پیش‌دبستان، ابتدایی و دوره‌ی اول متوسطه است که آموزش در دوره‌ی ابتدایی، بیشتر متوجه مفاهیم عام و پایه در هریک از رشته‌های علمی است؛ لذا می‌توان برنامه‌های درسی را به صورت درهم تنیده واز پیوند زدن موضوعات درسی و با تاکید بر مهارت‌های اجتماعی و تربیتی تنظیم کرد؛ زیرا کودکان، قادر نیستند، مفاهیم مختلف را که به صورت مجزا ازهم آموزش می‌بینند، به هم پیوند بزنند؛ به همین دلیل، در روند یادگیری با موانع بسیاری مواجه می‌شوند و برنامه‌های درسی موجود، مفاهیم را به صورت مجزا، به کودک منتقل می‌کنند و انتظار می‌رود که خود دانش‌آموزان ابتدایی، بین مفاهیم مختلف در ذهن ارتباط برقرار سازند که در این برنامه‌ها، دانش‌آموزان به ناچار باید حجم زیادی از واژگان و مفاهیم را بیاموزند؛ بدون آن که نحوه‌ی استفاده از آن‌ها را در زندگی خود بدانند. (احمدی، ۱۳۸۲)؛ به طور کلی، پژوهش‌های انجام شده در مورد اثربخشی تدریس کلاس‌های چندپایه، حاکی از آن است که اگر کار خوب انجام شود، دانش‌آموزان نتایجی برابر یا گاهی بهتر از کلاس‌های تک پایه به دست می‌آورند و آن را یک سازمان اثربخش جایگزین برای کلاس‌های تک پایه می‌دانند و وقتی نوبت به تاثیر عملکرد دانش‌آموزان می‌رسد، باید گفت که سازمان کلاس چندپایه، بسیار قوی‌تر ظاهر می‌شود و عملکرد بیرونی دانش‌آموزان چندپایه نسبت به دانش‌آموزان تک پایه، در ۷۵ درصد مقیاس‌های در نظر گرفته شده، بالاتر است. (والاس و ماثوت، ۱۹۸۷)

چگونگی برنامه‌ریزی و مدیریت استراتژی تلفیق در کلاس‌های چندپایه:

تدریس با رویکرد تلفیقی، در هم آمیختن موضوعات درسی یا همان حوزه‌های محتوایی مواد درسی مختلف در یک یا چندپایه است و از آن جا که دانش‌آموزان چندین پایه در یک کلاس آمیخته و مجموعه‌ای ترکیبی اند، و با یک معلم واحد روبرو هستند؛ برنامه‌ی درسی تلفیقی، همخوانی

بسیارخوبی با این نوع از کلاس‌ها دارد؛ زیرا که اتفاقاً شرایط و موقعیت لازم و مطلوب را برای ایجاد زمینه‌های یادگیری عمیق و مادام‌العمر دانش‌آموزان فراهم می‌سازد؛ بنابراین، موضوع تلفیق از مهمترین مباحث در حوزه برنامه‌ریزی درسی شناخته شده است و در حقیقت، برنامه‌ی تلفیقی عبارت است از مجموعه‌ای از تجربه‌های یادگیری برنامه‌ریزی شده که نه تنها با نگاهی کل‌نگر، مجموعه‌ای از اطلاعات و دانش مشترک را به صورت الگو، نظام و ساختار در اختیار یادگیرنده قرار می‌دهد؛ بلکه توانایی یادگیرنده را برای دریافت و یا کشف ارتباط‌های نوافزایش داده و از آن طریق، او را به سوی خلق الگوها، نظام‌ها و ساختارهای جدید سوق می‌دهد؛ یا به عبارت دیگر منظور از تلفیق برنامه‌ی درسی، ارتباط دادن و درهم آمیختن محتوای برنامه‌ی درسی؛ به منظور تحقق هدف انسجام تجربیات یادگیری فراگیران است که این رویکرد در نظام تعلیم و تربیت یک ضرورت است و همت‌همی صاحب‌نظران و کارشناسان، مربیان و دست‌اندرکاران نظام آموزش ابتدایی چندپایه را برای تحقق آن می‌طلبد. الگوی برنامه‌ی درسی با رویکرد تلفیقی در این صورت، مطلوب خواهد شد که بر محور مسائل زندگی واقعی فراگیر سازماندهی شده تا او بتواند فراتر از موضوعات درسی، دانش مربوط به حوزه‌های مختلف و مرتبط با محیط زندگی خود را به‌طور گسترده مورد کاوش قرار دهد؛ علاوه بر آن زمینه کسب مهارت‌های عملی، بازیابی سریع‌تر اطلاعات، عمیق‌تر شدن یادگیری، ایجاد نگرش مثبت را ایجاد نماید. (خدادادی سنگتراشانی، ۱۴۰۰)؛ به همین دلیل، تدریس به شیوه‌ی تلفیقی از سویی، انتقال یادگیری را تقویت می‌کند و از سویی دیگر، دانش‌آموز، مفاهیم مشابه و ارتباط مفهومی مطالب را بهتر از حالتی که رشته‌هابه صورت جدا تدریس می‌شوند؛ آن مفاهیم را به صورت معنادار، عمیق و دائمی می‌آموزد و دانش‌آموز فرصت می‌یابد تا مفاهیم را در موقعیت‌های مختلف به کار بندد و از آنجا که، مسئولیت یک معلم چندپایه در برنامه‌ریزی، طراحی و مدیریت، طیف وسیعی از فعالیت‌های متناسب با هر پایه و ترکیبی از چند پایه و درگیر کردن کودکان در یادگیری است؛ ازین رو، موفقیت معلم، به ایجاد کلاس درسی وابسته است که به یادگیری با گسترش فعالیت‌های انگیزشی و هیجان‌انگیز از قبیل کار گروهی تا مطالعه مستقل منجر شود و وظایف یادگیری در کلاس چندپایه باید به گونه‌ای انتخاب شوند که دانش‌آموزان سنین متفاوت بتوانند در فعالیتهای آن که نیازمند توانایی‌هایی متفاوت در یک موضوع مشابه است، شرکت کنند. (بروم، ۲۰۰۹)؛ همچنین در مطالعه‌ی احمدی و مهدی‌آبادی (۱۳۹۴)؛ با عنوان "طراحی برنامه‌ی درسی تلفیقی در کلاس‌های چندپایه"، به بحث و بررسی پیرامون نحوه‌ی تهیه‌ی کتاب‌های درسی با رویکرد تلفیقی در کلاس‌های چند پایه جهت رفع مشکل کمبود وقت و حجم زیاد کتاب‌های درسی پرداخته است و راهکارپیشنهادی پژوهشگران برای رفع این مشکل، تدوین کتاب‌هایی با

رویکرد تلفیقی وجداسازی کتاب‌های اینگونه مدارس از مدارس عادی است.

سازماندهی محتوای برنامه ی درسی:

معلم در کلاس چندپایه باید بر محتوا و اهداف کتاب‌های درسی، پایه‌هایی که تدریس می‌کند؛ تسلط داشته باشد و بتواند در موقعیت‌های متفاوت و با توجه به ارتباط طولی و عرضی محتوای کتاب‌های درسی از روش‌های تدریس مناسب استفاده کند و در عین حال، باید بتواند براساس شرایط تصمیم بگیرد و راهبردهای گوناگونی را به کار بندد؛ به عبارت دیگر، لازم است به طراحی آموزشی و تهیه ی طرح درس منعطف باشد و با توجه به شرایط کلاس، تغییراتی در برنامه و روش تدریس خود ایجاد کند و از امکانات محیطی حداکثر استفاده را ببرد.

الف) سازماندهی عمودی (ارتباط طولی): سازماندهی عناصر محتوا در درون یک ماده ی درسی؛ به صورت تقسیم بندی یک موضوع برحسب فواصل زمانی است.

ب) سازماندهی افقی (ارتباط عرضی): برقراری ارتباط بین مواد آموزشی دروس مختلف که باید دانش آموزان طی یک سال تحصیلی آن‌ها را فراگیرند. (اناری نژاد، ریحان پور، ۱۳۹۴)

براساس مطالب فوق، باید به این نکته توجه داشت که در طراحی برنامه درسی، پس از بررسی نیازها و تدوین هدف‌ها، فرایند انتخاب محتوا، همواره از حساسیت و اهمیت ویژه ای برخوردار است و این حساسیت و اهمیت بیشتر، به علت ماهیت تصمیماتی است که در باره ی محتوا اتخاذ می‌گردد که در انتخاب محتوا، توجه به مراحل رشد، نیازها، علایق و استعدادهای یادگیرنده، توجه به اصول و عوامل مؤثر بر یادگیری؛ از جمله معیارهای مهم محسوب می‌شوند و در فرایند برنامه ریزی درسی، تعیین موضوع، فرایندی مقدم بر محتواست؛ اما از آنجا که انتخاب ماده ی آموزشی تا حد زیادی با توجه به اهداف تعیین شده، آسان تر می‌شود؛ از این رو، حساسیت و اهمیت بیشتر، متوجه فرایند انتخاب و سازماندهی محتوا برای یک موضوع خاص است (فتحی و اجارگاه، ۱۳۸۳).

با توجه به نتایج پژوهش‌های انجام شده در باره ی مدیریت و برنامه ریزی کلاس چندپایه؛ معلمان این کلاس‌ها، در استفاده از روش تلفیق محتوا و ارائه ی آن، باید مؤلفه‌های محتوا، موضوع و اهداف را مورد نظر قرار دهند و بر مبنای آن، الگوی تلفیقی را تدوین نمایند که در جدول زیر، یک جلسه فعالیت تدریس براساس شیوه ی تلفیقی تنظیم شده است:

جدول شماره ۱ شماره : شیوه ی تلفیقی دریک جلسه ی کلاس ۶ پایه ای که ماده ی درسی متفاوت،

پایه:	محتوا
اول	هنر: رسم نقاشی که موضوع آن در باره ی مسافرت باشد.
دوم	فارسی: کلمه هایی را بنویسند که در رابطه با نقاشی مسافرت باشد.
سوم	اجتماعی: نام چیزهایی را فهرست کنند که افراد در مسافرت نیاز دارند.
چهارم	هدیه های آسمان: متن درس " زیارت " را برای افراد کلاس بلند خوانی کنند.
پنجم	علوم: راه های سرایت بیماری افراد را در مسافرت بنویسند.
ششم	علوم: چگونگی سرایت بیماری از فردی به فرد دیگر را مشخص کنند.
نحوه تدریس:	ابتداء، معلم فعالیتی را براساس متن کتاب درسی هدیه های آسمانی پایه ی چهارم آغاز می کند وداستان درس هدیه های آسمان را برای همه ی دانش آموزان کلاس تعریف می کندوسپس از پایه ی چهارم می خواهدکه در گروه، متن را یک باربلند خوانی کنندوبعداز آن، فعلیت های فوق را برای هر پایه ای معین می نماید.

(اناری نژاد وریحانی پور، ۱۳۹۴)

با نگاهی به محتوای این جدول؛ مشاهده می شود که معلم، درس معینی را یک بار برای تمامی پایه های موجود، در یک کلاس درس ارائه می کند؛ سپس به ذکر کلیات درس به طور مشترک به تناسب توانایی، اطلاعات قبلی و نیاز دانش آموزان هر پایه، توضیحات اختصاصی را جداگانه در گروه ها می پردازدکه برای ارائه ی توضیحات اختصاصی هر پایه، به علت پایین بودن قدرت تمرکز حواس پایه های اول و دوم؛ معمولا بهتر است که پایه های بالاتر در اولویت قرارگیرندکه با این کار، دانش آموزان پایه های پایین تر، فرصت بیشتری جهت فهم وضمم مطالب داشته ونتیجه ی مطلوب تری خواهد داشت ونیز بهتر است که گروهی را زودتر مورد ارائه ی اختصاصی قراردهیم که دارای تمرین بعداز آموزش هستندکه تا حدودی از اتلاف وقت جلوگیری به عمل می آید وبرای بهره مندی ازرویکرد تلفیقی؛ به عنوان کاربردی ترین رویکرد، توصیه هایی به معلمان چندپایه در همین زمینه شده است:

- تهیه وطراحی فعالیت های آموزشی تلفیقی؛ هرچندکه اجرای آن در شروع کار، وقت بیشتری را طلب می کند؛ اما معلم ، نیابستی ناراحت باشد ویا فکر کند که وقت را از دست داده است؛ زیرا که با رویکرد تلفیقی در یک جلسه از وقت کلاس، فعالیت چند جلسه در یک یا چند پایه را درمواد درسی مختلف، انجام داده است.

- انعطاف پذیری در محتوای کتاب درسی، لازم وضروری است واغلب اوقات، معلمان دربرابر این انعطاف پذیری، بلا تکلیف هستند وگاهی هم مقاومت می نمایند؛ در حالی که به دلیل نیاز فراگیران، موقعیت کلاس، امکانات، موقعیت جغرافیایی وغیره، معلم، حق دارد که محتوا را به عنوان وسیله ای

برای رسیدن به هدف، تغییر دهد.

- تلفیق، هدف خاص و مشترک دروس مختلف را با طرح یک مسأله یا یک موضوع خاص، محور قرار می‌دهد؛ لذا همزمان همه ی پایه ها، می توانند به یک مسأله و یک هدف آموزشی فکر کنند و در این رویکرد، محتوای مربوط به موضوعات درسی مختلف با کمک مضمون یا موضوعی وحدت بخش، بین چندماده ارتباط برقرار می شود که برای طراحی و اجرای چنین سازماندهی، نادیده گرفتن مرز بین دروس ضروری است؛ چراکه در این نوع سازماندهی، هدف آموزش در مواد درسی مختلف، تقویت مهارت های فرایندی؛ مانند تحلیل کردن، تفکر انتقادی، ارتباط برقرار کردن، استدلال کردن، نوشتن، سؤال کردن و غیره است؛ هرچند که، برنامه درسی به شیوه ی تلفیقی، برای موضوعات مشابه در دروس مختلف، بسیار مناسب است؛ ولی به ندرت، این موضوعات یافت می شود (حاجی اسحاق، ۱۳۸۳).

بحث و نتیجه گیری

براساس یافته های این پژوهش، کلاس های چند پایه به دلیل موقعیت های جغرافیایی، اجتماعی و انسانی تشکیل می شود و عوامل مختلفی موجب تشکیل این کلاس ها می شود که این عوامل خود ضرورت استفاده از راهبردها و فنون خاص را در فرایند تدریس چند برابر نموده است و طبق یافته های این پژوهش، یکی از گزینه های مؤثر برای رفع مشکلاتی؛ همچون کمبود وقت و... بهره گیری از برنامه درسی به شیوه ی تلفیقی است که در پاسخ به سوالات این پژوهش مبنی بر چیستی، چرایی و چگونگی استراتژی تلفیق در برنامه ریزی و مدیریت کلاس های چندپایه، این نتایج حاصل می گردد:

۱- برنامه درسی تلفیقی، درهم و برهم کردن محتوای درسی نیست؛ بلکه هدف تلفیق، در هم تنیدن موضوعات مختلف درسی می باشد که از نظراهداف، به هم ارتباط دارند و برای درک یک مفهوم از چند ماده ی درسی که ارتباط خوبی با موضوع دارند؛ کمک گرفته می شود و از آنجاکه در این رویکرد، هدف خاص و مشترک دروس مختلف را با طرح یک مسأله یا یک موضوع خاص، محور قرار می دهد؛ از این رو، همزمان همه ی پایه ها، می توانند به یک مسأله و یک هدف آموزشی فکر کنند.

۲- تلفیق، یکی از مهم ترین و پیچیده ترین مباحث در حوزه برنامه درسی است؛ سازماندهی برنامه درسی به شیوه ی تلفیقی، زمینه لازم را برای دستیابی دانش آموزان به وحدت و یکپارچگی در تجربه های یادگیری فراهم می آورد که موجب یادگیری عمیق تر و معنادارتری شود و می توان با

استفاده از فرایند تلفیق، مطالب را به صورت یک کل واحد در آورد و میان موضوع های درسی، پیوند منطقی ایجاد نمود که این رویکرد موجب ایجاد رشد مهارت های اجتماعی و پژوهشی در دانش آموزان می شود و برای نیاز های فردی و اجتماعی مفید است.

۳- در کلاس چندپایه، با هرنوع ترکیب پایه ای، پایه های پایین تر، از جزییات محتوای آموزشی پایه ی بالاتر مطلع هستند و نیز یادآوری محتوای پایه ی پایین تر، یادگیری را عمیق ترمی سازد؛ از این رو، وجود این ویژگی در کلاس چند پایه با برنامه و رویکرد تلفیقی، ارتباط نزدیکی دارد؛ چراکه شیوه ی تلفیقی به تدریس و یادگیری دانش آموزان، دیدی کلی دارد و ترکیبی از موضوعات درسی وجود دارد؛ نه یک ماده ی خاص درسی برای یک پایه در یک جلسه ی آموزشی؛ به علاوه، در این شیوه، دانش آموزان، ارتباط برنامه و محتوای درسی را با زندگی واقعی خارج از مدرسه در می یابند و به صورت عملی و عینی، توانایی تعاملات اجتماعی در آنان تقویت می گردد؛ علاوه برآن، برنامه ی درسی با رویکرد تلفیقی می تواند دستاوردهایی را طبق جدول ذیل به ارمغان آورد:

جدول شماره ۲: دستاوردهای برنامه درسی با رویکرد تلفیقی

ایجاد محیطی لذت بخش و فعال برای یادگیری
کسب اطلاعات و دانش مطلوب به صورت عمیق و کامل در مورد موضوع درسی.
مدیریت بهینه ی زمان و ایجاد فرصت همکاری دانش آموزان در فرایند یاددهی - یادگیری.
ایجاد فرصت برای دانش آموزان قوی تر در هنگام تدریس پایه های بالاتر.
ایجاد شبکه ی مفهومی بین مفاهیم موجود در مواد درسی مختلف.
بالارفتن سطح پرورش مهارت های تفکر و استدلال دانش آموزان به دلیل مسأله محور بودن.
کل نگرانه اندیشیدن به تدریس و یادگیری فراگیران.
ایجاد ارتباط آموخته های دانش آموزان در مدرسه با زندگی خارج از مدرسه و توانایی مواجهه با محیط واقعی.
توجه به ساختار مفهومی و ارائه ی دانش ثابتی در باره ی مفاهیم سازمان دهنده.
ابزاری یا وسیله ای برای تسهیل دست یابی به هدف
ترغیب پویایی و رفتار خلاق در دانش آموزان.
حداکثر بهره برداری از وسایل موجود در کلاس درس در فرایند آموزشی.
تولید محتوا و ساده سازی تکالیف مطابق با توان یادگیرنده و پیش رفتن با نیازهای روز.
جبران عقب ماندگی درسی بعضی از پایه ها، هنگام تدریس پایه های پایین تر.
افزایش مشارکت، تعامل و ارتباطات اجتماعی فراگیران برای رسیدن به دانستن و فهمیدن.

باتوجه به نتایج حاصله، این نتیجه ی کلی گرفته می شود که برنامه درسی با رویکرد تلفیق، میان معلم و شاگرد در کلاس های چندپایه، با برقراری تعامل، فرصت ارزشیابی سطح ادراک دانش آموز فراهم می شود و مسأله های مناسب و معنی دار در کلاس مطرح می گردد و معلم می کوشد تا با

تلفیق اطلاعات و ادراک، میان تفکر شهودی و تفکر تحلیلی، موازنه‌های منطقی، ایجاد کند و در مقام تسهیل‌کننده‌ی یادگیری، مسؤول طرح مسائلی باشد که تا حد امکان برای درک مطلب جدید از آموخته‌ها و تجارب قبلی دانش‌آموزان استفاده کند و با تاکید بر یکپارچه‌سازی دانش از طریق به کار گرفتن آن در موقعیت‌های معنی‌دار، سعی در ترغیب خلاقیت و نوآوری نماید؛ بنابراین برای این که معلمان جند پایه، بتوانند از الگوی تدریس تلفیقی استفاده کنند، باید تا حدودی از برنامه‌ی درسی تلفیقی، آگاهی داشته باشند؛ زیرا که برنامه درسی تلفیقی می‌تواند دانش، مهارت و نگرشی را که دانش‌آموزان برای زندگی متعادل و منطقی به آن نیاز دارند، به آنان منتقل نماید.

بر اساس نتایج این پژوهش، پیشنهاد می‌گردد که به منظور بهره‌گیری از رویکرد نوین مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چند پایه با رویکرد تلفیقی، دوره‌های آموزشی تخصصی با محوریت رویکرد تلفیقی برای معلمان کلاس‌های چندپایه برگزار گردد؛ همچنین با توجه به اهمیت و ناچار بودن تشکیل این کلاس‌ها در جهت ارتقای آموزشی و رشد اجتماعی دانش‌آموزان و نیز با نگرش‌های تازه‌ای که در سال‌های اخیر در برنامه‌های تعلیم و تربیت کشورها، حاصل شده است؛ معلمانی برای تدریس در کلاس‌های چندپایه گماشته شوند که با برخورداری از مهارت و انگیزش بالا، مجبور نباشند که باروش آزمون و خطا به تدریس بپردازند.

ملاحظات اخلاقی

پیروی از اصول اخلاق پژوهش

در تحقیق انجام شده، از اصول اخلاق پژوهش، پیروی شده است.

حامی مالی

هزینه‌های پژوهش حاضر، توسط نویسنده تامین شد.

تعارض منافع

فاقد هرگونه تعارض منافع بوده است.

تشکر و قدردانی

بدین وسیله از بزرگوارانی که در انجام این پژوهش، بنده را یاری فرموده‌اند، نهایت تشکر و قدردانی می‌نمایم.

منابع فارسی

- آقازاده، محرم، فضلی، رخساره. (۱۳۸۴). راهنمای آموزش در کلاس‌های چند پایه. تهران: آبیژ.
- احمدی، پروین. (۱۳۸۲). تحلیلی برکثرت وتنوع مفهوم تلفیق در حوزه ی برنامه درسی. مجله ی پژوهش و برنامه ریزی در آموزش عالی، دوره اول، شماره ۲۹، ۳۹-۲۱.
- احمدی، پروین، مهدی آبادی، ناهید. (۱۳۹۴). طراحی برنامه درسی تلفیقی در کلاس‌های چندپایه. اولین کنفرانس بین المللی مدیریت، اقتصاد، حسابداری و علوم تربیتی، ساری.
- اسدکی، پری. (۱۳۸۹). بررسی مشکلات روش‌های موجود تدریس در کلاس‌های چندپایه و ارائه ی روش‌های مناسب تدریس در این کلاس‌ها در شهرستان گلپایگان. مجله ی رشد آموزش ابتدایی، دوره دوم، شماره ۱۴، ۵۲-۴۰.
- اناری نژاد، عباس، ریحانپور، میلاد. (۱۳۹۴). مدیریت و برنامه ریزی درسی در کلاس‌های چندپایه. شیراز: انتشارات شیوا رسا.
- برج، ایان، لالی، مایک. (۱۳۷۹). تدریس چندپایه در مدارس ابتدایی. (ترجمه ی پرپوش جعفری). تهران: دفتر همکاری‌های علمی بین المللی وزارت آموزش و پرورش. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۹۵)
- پور موسوی، یعقوب. (۱۳۹۴). بررسی مشکلات و مسائل کلاس‌های چندپایه از دیدگاه آموزگاران چند پایه شهرستان اندیکا. دومین کنفرانس ملی و اولین کنفرانس بین المللی پژوهش‌های نوین در علوم تربیتی.
- حاجی اسحاق، سهیلا. (۱۳۸۳). فرایند یاددهی-یادگیری در کلاس‌های چندپایه. تهران: چاپ کوروش.
- حسینی، سید رامین، رستمی، مرضیه. (۱۴۰۱). ضرورت راهنمایی و مشاوره در کلاس‌های چندپایه. مجموعه مقالات سومین کنفرانس ملی پژوهش‌های سازمان و مدیریت، ۴۲۱-۴۳۵.
- خدادادی سنگتراشانی، سید عابدین. (۱۴۰۰). ارایه راهبردهای توسعه ی خلاقیت و نوآوری در کلاس‌های چندپایه و تلفیقی. پژوهش در آموزش کلاس‌های تلفیقی و چندپایه، دوره اول، شماره ۱، ۹۳-۱۰۱.
- رحیمی، حبیب الله، مفیدی، فرخنده، پاکدامن، مجید. (۱۳۹۲). رشد اجتماعی بیشتر در کلاس‌های چندپایه؛ مقایسه ی رشد اجتماعی دانش آموزان کلاس‌های چندپایه با تک پایه. مجله رشد علوم اجتماعی، دوره چهارم، شماره ۲۴، ۲۹-۱۵.
- سلیمانی، نادر، حدادیان، احمد، شهرابی، کاظم. (۱۳۸۹). بررسی و مقایسه پیشرفت تحصیلی و مهارت‌های اجتماعی دانش آموزان کلاس‌های چند پایه و عادی در مدارس ابتدایی. فصلنامه رهبری و مدیریت آموزشی دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمسار، دوره اول، شماره ۴، ۱۲۹-۱۴۴.
- صمدیان، صمد. (۱۳۹۱). شیوه اداره و تدریس در کلاس‌های چندپایه در نظام آموزشی ۳-۳-۶ تبریز: انتشارات بوی جوی مولیان.
- عزیزی، نعمت اله، حسین پناهی، خلیل. (۱۳۹۲). مقایسه ی پیشرفت تحصیلی دانش آموزان پایه ی دوم ابتدایی کلاس‌های چند پایه با دانش آموزان مدارس عادی در مهارت‌های زبان فارسی. فصلنامه ی علمی-پژوهشی دانشگاه شاهد، دوره سوم، شماره ۲۰، ۱۷۹-۱۲۴.
- فتحی واجارگاه، کوروش. (۱۳۸۳). امکان سنجی مشارکت معلمان در فرایند برنامه ریزی در نظام آموزش

- و پرورش ایران. فصلنامه‌ی نوآوری‌های آموزشی، دوره سوم، شماره ۸، ۲۲-۴۱.
- فضلی، رخساره. (۱۳۸۹). فضای کلاس و کیفیت آموزشی؛ تاملی در باره‌ی ارتقای کیفیت. مجله‌ی رشد آموزش/ابتدایی، دوره هشتم، شماره ۱۳، ۲۰-۲۳.
- فضلی، رخساره. (۱۳۸۲). مدیریت مؤثر در یادگیری در کلاس‌های چندپایه؛ راهبردهایی برای تدریس در کلاس‌های چند پایه. مجله‌ی رشد معلم، دوره پنجم، شماره ۱۴، ۳۸-۴۰.
- مرتضوی زاده، حشمت الله. (۱۳۸۷). راهنمای تدریس در کلاس‌های چندپایه. تهران: عابد.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله. (۱۳۹۴). مدیریت و برنامه‌ریزی کلاس‌های چندپایه. تهران: انتشارات کوروش.
- مرتضوی زاده، سید حشمت الله. (۱۴۰۱). کیفیت آموزش در کلاس‌های چندپایه دوری از دیدگاه معلمان. نشریه پژوهش‌های آموزش و یادگیری، دوره ۱۹، شماره ۲، ۱۶-۲۸.
- مکوسانا، کنعان و کاپیسا، ماری جویس. (۱۳۸۶). خودآموز تدریس چندپایه. (ترجمه‌ی محرم آقازاده). تهران: آبیژ. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۲۰۰۴)
- والاس، جان سزیر، مئوت، جی بی. (۱۳۸۴). راهنما برای معلمان چند پایه، رشد عملکرد در دوره‌ی ابتدایی. (ترجمه‌ی علی زرافشان). تهران: انتشارات مدرسه. (تاریخ انتشار به زبان اصلی ۱۹۸۷)

منابع انگلیسی:

- Aikman, S., & HAJ, H. E. (2006). EFA for pastoralists in North Sudan: a mobile multigrade model of schooling. *Education for All and multigrade teaching*, pp.193-213.
- Broome, J. L. (2009). A descriptive study of multi-age art education in Florida. *Studies in Art Education: A Journal of Issues and Research in Art Education*, 50(2), 167-183.
- Jean, C. (2014), Creativity art and Learning: A psycho-social exploration of uncertainty, *International Journal of Art and Design Education*, Vol.32, No. 1, Pp.33-43.
- Kalaian, S. A., & Kasim, R. M. (2014). A Meta-analytic Review of Studies of the Effectiveness of Small Group Learning Methods on Statistics Achievement. *Journal of Statistics Education*, 22(1), 1-20.
- Little, A. W. (2001). Multi-grade teaching towards an international research and policy agenda. *International Journal of Educational Development*, 21(6), 481-497.
- Little, A. (2004). *Learning and teaching in multigrade settings. Background paper prepared for the Education for All Global Monitoring Report 2005, The Quality Imperative*. United Nations Educational, Scientific and Cultural Organization.
- Newton, D.P, Donkin, H 2011, Some notions of artistic creativity amongst history of art students acquired through incidental learning, *International Journal of Education through Art*, Vol.7, No.3, Pp.283-297.

Integration Strategy in the Managing and Planning Multi-Grade Classes

Maryam Abbasi¹

Abstract

Introduction and goal: Given the emphasis placed by learning psychologists placed and schools of psychology, especially the Gestalt school, on philosophical theories and perspectives such as transpersonal theory, it is essential to design programs in an integrated manner. Accordingly, the purpose of this study is to examine this strategy of integrating success rates and multi-grade class planning.

Research methodology: The present study is a library study with a descriptive-analytical approach. In this qualitative research, themes were discovered by studying books and reliable domestic and foreign sources, and by utilizing relevant research data were extracted in the form of Data sheets and thematic classification of the data sheets was written.

Findings: Weavers say that organizing the curriculum in an integrated manner provides the necessary basis for students to achieve unity and coherence in their learning experiences, and by taking a deeper and more meaningful approach, they can achieve a logical connection between the subject areas. This approach increases the development of social and research skills in students.

Conclusion: The curriculum is designed with a combined approach of teacher and student expression in serious classes, providing an opportunity to evaluate the students level of understanding. The teacher, by proposing appropriate and meaningful problems in a large scale, creates a logical causal balance by combining information and perception between intuitive thinking and analytical thinking. As a learning facilitator, he is responsible for planning so that as much as possible is used for students understanding of the material.

Keywords: Integration curriculum, Multi-grade Classes, Meaningful learning

¹ Member of the academic staff of the educational department of Farhangian University of Shiraz, Iran.(abbasi.m1001@gmail.com)